



ورود کاروان ابا عبدالله الحسین (ع) به سرزمین کربلا (61 ق)

پس از آن که والی مدینه، امام حسین(ع) را برای بیعت با یزید تحت فشار قرار داد،

پس از آن که والی مدینه، امام حسین(ع) را برای بیعت با یزید تحت فشار قرار داد، آن حضرت به مکه رفت و پس از مدتی، در روز ترویبه یعنی هشتم ذی‌حجه؛ سال 60 قمری از مکه؛ معظمه به سوی عراق مهاجرت فرمود. در اوایل ماه محرم سال 61 قمری، لشکریان عبیدالله بن زیاد به فرماندهی حرّ بن یزید ریاحی با آن حضرت مواجه شده و مانع پیش‌روی آن حضرت به سوی کوفه شدند. گرچه حرّ بن یزید، مأموریت داشت با امام حسین(ع) برخورد شدید نماید ولیکن رفتار وی با امام بر رفق و مدارا بود. از این رو حرّ و لشکریانش در نماز جماعت امام حسین(ع) شرکت می‌کردند و به خطبه‌های دلنشین وی گوش جان می‌سپردند و این دو سپاه چند روز بدون هیچ‌گونه مشکلی در کنار هم بودند. اما عبیدالله بن زیاد که در جنگ با ابا عبدالله الحسین(ع) اصرار فراوان داشت، نامه‌ای به حرّ بن یزید نوشت و وی را مأمور سخت‌گیری بر امام حسین(ع) نمود. حرّ بن یزید نیز طبق فرمان، راه را بر امام حسین(ع) و یارانش مسدود نمود و آنان را به سوی منطقه خشک و بی‌حاصلی به نام کربلا هدایت کرد و در آن‌جا آنان را در محاصره؛ خویشتن قرار داد. قافله امام حسین(ع) چون به سرزمین کربلا رسیدند، آن حضرت پرسید: این زمین چه نام دارد؟ عرض کردند: کربلا. آن حضرت تا نام کربلا را شنید، فرمود: **اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْكُرْبِ وَ الْبَلَاءِ**. و سپس فرمود: این، موضع کرب و بلا و محلّ محنت و عینا است. فرود آید که این‌جا منزل و محل خیمه‌های ما است و این زمین، جای ریختن خون ما است و در این مکان قبرهای ما واقع خواهد شد. جدّم رسول خدا (ص) مرا به این امور خبر داد. به ناچار، آن حضرت و یاران و اصحابش در روز پنج‌شنبه دوم محرم؛ الحرام سال 61 قمری در آن سرزمین فرود آمدند و حرّ بن یزید نیز با سپاهیانش در مقابل آن حضرت، خیمه زدند.